

دیکتاتوری قانونی

مثل معروفی است که میگویند: "کریه مرده را چوب نمی زنند". مجلس خیرکان - با به تعبیر درست مردم کوچه و بازار "مجلس خفکان" - مرده ای است که شاید حاجتی نباشد درباره اش سخن گفت. افتتاح این مجلس را تنها میتوان با مجالس قذبی "آریامهر" تشبیه کرد که مردم، با نوعی شوخی، لطیفه و از همه مهمتر بی تفاوتی و جدی نگرستی جار و جنجال های تبلیغاتی دستگاه های ارتباط جمعی در حول و حوش جلسات نسبت به آن عکس العمل نشان میدادند. هر چه مجلس سه ساخته آریامهری ظاهر جدی تری بخرد می گرفت، بهمان نسبت بی تفاوتی و ناپاوری بحق مردم افزایش می یافت و عاقبت هم دیدیم در بطن همین ناپاوری به استعداد، چگونه قیاسم خونین مردم علیه ستمگران نظام پیشین شکل گرفت.

امروز هم در مورد مجلس خیرکان وضع بهمان روال گذشته است. علیرغم جار و جنجال های مد و سمای جمهوری اسلامی و دیگر ارکان های تبلیغاتی رژیم، مجلس خیرکان در دهی مردم مرده است. آنرا جدی نمیگیرند. گانشال ۲ تلویزیون گانشال تفریح مردم شده است. مسئولان امر نبریا نمیخوانند و بیای نمی خواهند که ببینند و بشنوند. و آن می توانستند در سر هر گذر و محفلی میران باور مردم را نسبت به کار این مجلس دریابند. بهر حال آنچه که ضرورت پیش کشیدن این مقاله را ایجاد کرد، مصوبه اخیر این مجلس است که نشان میدهد، حضرات "خیره" نمی توانند سر مویی را فراتر از ترک بینی نشان بدهند. بعد از تصویب "وئیت فقیه" و خرعبداتی دیگر در باب سفت کردن پیچ و مهره های دیکتاتوری فقیه، چشم همه آرا دیخواهان به جمال "شاهکار" دیگر "خیرکان" روشن شد. اصل ۸۷ در مورد "وظایف و اختیارات رهبری" را می بینیم.

مجلس خیرکان پس از ۴۰ ساعت بحث در کمیون های مشترک و ۲ جلسه علنی قانونی را به تصویب رساند که طبق آن مجال و فرصت کافی در اختیار هر خود - کامدای که بخواهد آزادی را "قانونا" بخون کشد، گذاشته میشود. کویی که همه حضرات عقلشان را روی هم ریخته اند تا همه اختیارات شاه مخلوع را اینبار توسط "قانون" و یا "قانونا" به مقام شامخ رهبری تفویض نمایند و توکویی مبارزه ای که طی آن مردم بساط دیکتاتوری تنگن پهلوی را درهم گویند، منبایش "قانونی" و یا "غیرقانونی" بیودن دیکتاتوری بوده است و با دیکتاتوری شاه که از اختیارات نامحدود وی در امور جاری مملکت نشأت می گرفت، بدین دلیل مذموم بود که این اختیارات را بطور "غیر قانونی" تصاحب کرده بود. درحالی که آنچه خمیرمایه مخالفت و قیام یک پارچه مردم علیه رژیم شاه کش خود این اختیارات بود نه "قانونی" بودن و با "غیر قانونی" بودن آن.

و از طرف دیگر امر بخود قانونگذاران "خیره" اشتهیه شده است که گویا مردم احمقند و نمیتوانند بفهمند که آنچه را که در ۶ ماده و پنج بند در مورد اختیارات و وظائف رهبری بسسه تصویب رسانده اند، در واقع چیزی نیست جز تجدید بنای سامان فرو ریخته نظام پیشین. چرا که، مطابق اصل ۸۷ اختیاراتی که به مقام رهبری تفویض میشود، جمعی در چارچوب امکانات و اختیارات نامحدود دیکتاتوری خودکامه است که می تواند، همه حقوق اجتماعی و اساسی مردم را "قانونا" سلب نماید که این خودکامگی حتی، حقوقی را که مطابق اصول قبلی به مردم داده شده است، نیز شامل میشود. بعبارت دیگر اگر مردم، یعنی همانهایی که مبارزه بسط برای سرگونی رژیم فاشیستی پهلوی را سه پیروزی رساندند، فردی را بعنوان رئیس

جمهور انتخاب نمودند، رهبر می تواند، بدلیل ندیدن ملاحظیت (که صفت کشداری است و قابل تغییر از دیدگاه همسای

متفاوت) در فرد مذکور، او را از این مقام خلع نماید. بعزوه کلیه امور دفاعی و عزل و نصب افراد کشوری و لشکری نیز در اختیار رهبر گذاشته میشود تا جائیکه از کلیه مقامات مهم ارکان های مختلف دولتی، چیزی جز عنوانی

تو خالی باقی نمی ماند بهتر است که این مصوبه را یکبار دیگر مرور کنیم تا به میران خیانت خیرکان، در بی ریزی یک "دیکتاتوری قانونی" بیشتر پی ببریم. بعقیده ما متن این مصوبه از هر تفسیری در باره آن گویا تر است.

مطابق اصل ۸۷، رهبری دارای این اختیارات است:

- ۱- تعیین فقهای شورای نگهبان.
- ۲- نصب عالیرین مقام قضایی کشور.
- ۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیب زیر:

الف - نصب و عزل رئیس کل ستاد مشترک.

ب - نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ج - تشکیل شورای عالی دفاع ملی مرکب از هفت نفر به شرح:

رئیس جمهور (که مطابق بند ۴ پس از انتخاب توسط مردم باید حکم ریاست جمهوری وی با مضای رهبر برسد و در غیر اینصورت، عهده دار این پست شود)

نخست وزیر

وزیر دفاع

رئیس کل ستاد مشترک (که ایضا قبلا از طرف رهبر انتخاب شده است)

فرمانده کل سپاه پاسداران (ایشان نیز از متعین رهبر است)

بقیه در صفحه ۱۰

و در مشاور به تعیین رهبر
(یعنی علاوه بر همه افراد فوق
که قبلاً مستقیم یا غیره مستقیم،
از طرف رهبر انتخاب شده‌اند،
برای سفت کردن قضیه، رهبر دو
مشاور را هم برای شورای عالی
دفاع ملی انتخاب میکند.)

د - تعیین فرماندهان عالی نیروهای
به کانه به پیشنهاد شورای
عالی دفاع (همانطور که در قس
آورده شد، خود افراد شورای
عالی دفاع حمله‌ای از طرف رهبر
انتخاب شده‌اند.)

ه - اعادن جنگ و صلح و بسیج نیروها
به پیشنهاد شورای عالی دفاع
(در واقع به پیشنهاد خود رهبر)

۴- امضای حکم ریاست جمهوری پس از
انتخابات مردم، صلاحیت داد و طلبان
ریاست جمهوری باید قبل از انتخابات
از جهت دارا بودن شرایطی که در این
قانون می‌آید به تأیید شورای نگهبان
(که منتخب رهبر است) برسد و در دور
اول مجلس بتأیید رهبری برسد.

۵- عزل رئیس جمهور یا در نظر گرفتن
مصلح کشور، پس از حکم دیوان عالی
کشور به تخلف وی از وظائف قانونی
با رای مجلس شورای ملی به عدم
کفایت سیاسی وی.

۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در
حدود موازین اسامی، پس از پیشنهاد
دیوان عالی کشور.

تاریخ، هیچگاه خیانت این "خبرگان" را
نمی‌بخشد، آن‌انکه امروز برخی از سر
بوداگری و بخشی از در خوشرفی بسیار
بصوب چپین قوانینی، با ردیکر زنجیر
بردگی را به پای مردم می‌بندند، خود
در بستگاه مردم سمکن بمحاکمه کشیده
خواهند شد. ●